

پژوهش نامه قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شماره ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

No. 25, Autumn & Winter 2019/2020

صص ۲۶۷-۲۸۹ (مقاله پژوهشی)

براعت استهلال در خطبه‌های امام حسن مجتبی (ع)

ریحانه ملازاده^۱، نفیسه فیاض بخش^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۰/۲۵ – تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱۱/۲۱)

چکیده

این پژوهش درنگی بر بافت افتتاحیه‌های خطبه‌های موجود و قابل دسترس امام حسن(ع) است، تا ضمن تحلیل عناصر گفتار، چگونگی تأثیر متكلم از طریق کاربرد اسلوب براعت استهلال بر مخاطب روشن شود. بدین منظور این جستار ابتدا به تعریف آرایه براعت استهلال و مفهوم آن در ادبیات پرداخته و سپس با تحلیل سیک و ساختار آغازین خطب موجود، تلاش نموده تا به توصیف آرایه براعت استهلال پیردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد خطبه‌ها علیرغم کوتاهی و بلندی که متناسب با شرایط مخاطب ایراد شده است برخوردار از اسلوب‌های متنوع تأکید، ندا، شرط می‌باشد. این تنوع در کلام به منظور تحریک احساسات و بیدارسازی فطرت خفته مردم انجام گرفته است.

کلید واژه‌ها: براعت استهلال، بلاغت، حسن بن علی(ع)، سیک و ساختار خطبه

r.mollazadeh@alzahra.ac.ir

۱. استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه الزهراء(س)، (نویسنده مسؤول)؛

۲. استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران،
nafisefayazbakhsh@yahoo.com

۱- بیان مسائله

خطبه و فن سخنوری از دیرباز مورد توجه و اهتمام عرب بود. این فن که در دوره جاهلی برای مفاخره و منافره به کار می‌رفت در دوره اسلامی و پس از آن، تغییراتی متناسب با عصر جدید به خود گرفت. با ظهور اسلام در بیشتر موارد خطب با حمد و ثنای الهی شروع می‌شد و خطیب پس از (اما بعد) به موضوع اصلی پرداخت و سپس با عبارتی که حسن ختام نام دارد کلامش پایان می‌پذیرفت. استهلال در خطب عربی غالباً با اقتباس از قرآن کریم، سنت نبوی و شعر و نثر عربی همراه بوده است. خطبه بر ایجاز، وضوح، فصاحت، انسجام، آرایه‌های ادبی در حد اعتدال و به دور از تکلف و تصنیع بنا می‌شود.

در جستار حاضر سبک و ساختار آغازین خطب امام حسن مجتبی(ع) با تکیه بر اسلوب براعت استهلال مورد واکاوی قرار گرفته است. لازم به ذکر است خطبه‌های امام حسن(ع) به شکل پراکنده در کتب مختلف تاریخی نقل شده، که می‌توان آن را یکی از دشواری‌های این تحقیق برشمرد. در منابع عربی کتابی با عنوان «الروائع المختارة في خطب الإمام الحسن(ع)» به دست آمد که با تکیه بر منابع اهل تسنن و تشیع گردآوری شده، و در فارسی نیز ترجمه کتاب «موسوعة كلمات الإمام الحسن(ع)» توسط پژوهشکده باقرالعلوم(ع) با سبک و سیاق کتاب مذکور منتشر شده است. لذا نویسنده‌گان ابتدا به استخراج خطب از کتب معتبر پرداخته‌اند و پس از ذکر سند یا منبع هر خطبه، براعت استهلال آن را بیان کرده‌اند. در این راستا تعداد ۳۳ خطبه از خطبه‌های امام حسن(ع) از کتب مختلف بدست آمد. از این میان، ۸ خطبه، با حمد و ثنای خداوند متعال شروع شده و با عبارت «اما بعد» شروع شده‌اند و به اصل موضوع پرداخته شده است. خطبه‌هایی که تنها با عبارت «اما بعد» شروع شده‌اند و فاقد بخش اول، یعنی بدون حمد و ثنای الهی‌اند، حدود ۱۰ خطبه است.

پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی در پی یافتن پاسخ به این سؤال است که امام حسن مجتبی(ع) خطبه‌های خود را با چه سبکی آغاز فرموده، و براعت استهلال در خطبه‌ها چه تأثیری بر مخاطب داشته است؟

۲- مقدمه

پس از امیر مؤمنان(ع)، امام حسن مجتبی(ع) دومین شخصیتی است که در کتب تاریخی بیشترین خطابه از ایشان به ثبت رسیده است. خطابه‌هایی که با اندک تأملی در محتوا و صورت ادبی آن به وضوح می‌توان به شرایط سخت و حساس دوران آن امام همام پی برد. از دیدگاه عالمان منطق نیز خطابه یکی از صناعات خمس است که در برابر جمع و به قصد برانگیختگی احساسات و عقول مردم ایراد می‌شود. (خوانساری، ۲۳۳) بنابراین می‌توان گفت خطابه فنی ادبی است که بر پایه عقیده بنا شده و با هدف تأثیر بر مخاطب، به بررسی فکری و عاطفی موضوع می‌پردازد. علاوه بر عنصر عاطفه که جزء جدایی ناپذیر خطابه است، دیگر ابزار هنری از قبیل آهنگ و تصویر نیز در ترسیم این وضعیت عاطفی نقش خواهند داشت. (بستانی، ۲۴۵-۲۴۶) عنصر عاطفه نیز در خطابه به اقتضای موقعیت روانی مخاطب، دچار فراز و نشیب شده گاهی فروکش می‌کند. (همانجا، ۲۵۲) از آنجا که کلام بلیغ متناسب با حال مخاطب، کوتاه، متوسط و بلند ادا می‌شود (عبدالغنى، ۲۱) طول خطبه‌های امام حسن(ع) نیز متناسب با حال مخاطب و شرایط زمانی مختلف است. در منطق نیز خطابه از اهمیت خاصی برخوردار است. خواجه نصیرالدین طوسی در این خصوص می‌گوید: «هیچ صناعتی از صناعات خمس در افاده تصدق اقناعی به درجه خطابه نمی‌رسد، زیرا عقول عامه از ادراک قیاساتِ برهانی قاصر است، بلکه از جدل هم. چون جدل هم در تعلق به کلیات جاری مجرای برهان است. پس صناعتی که متکفل افاده اقناع بود در اذهان جمهور، جز خطابت نبود.» (نصیرالدین طوسی، ۵۳۱)

۳- برات استهلال یا خوش آغازی

در فارسی حسن مطلع (البدیع، ۳۲)، حسن ابتدایا خوش مطلع نام دارد. حسن مطلع آن است که آغاز قصیده، غزل، مقدمه، پیش درآمد مقاله، خطابه و سخنرانی را چندان شیوا، مطلوب و دلپسند بیاورند که شنونده را برای شنیدن باقی سخن نظم یا نثر تشویق کند و در طبع و حال او رغبت و نشاط گوش سپردن به گفتار گوینده را برافرازید. (همایی، ۲۰۰)

براعت استهلال که از قدیم مورد توجه شاعران و ادبیان عرب قرار داشته، برای جلب توجه مخاطب و تشویق وی به دنبال کردن شعر یا خطبه بکار می‌رفته است. در شعر جاهلی، سنت کهن وقوف بر اطلاق، نوعی براعت استهلال بحساب می‌آید. در بلاغت قدیم عربی، براعت استهلال جزو آرایه‌های بدین معنی است که با اصطلاح حسن ابتدا از آن یاد می‌شده، و تعریفی مشابه با ادبیات فارسی دارد، بدین معنا که در مطلع قصیده یا اول کلام با آرایه‌ای زیبا، نکته‌ای نفر یا بدیع، به موضوع قصیده یا خطبه بطور غیرمستقیم اشاره می‌شده تا انگیزه گوش سپاری به گوینده مضاعف شود. این صنعت براعت استهلال یا حسن ابتدا نام دارد. (طbane، ۸۵ و ۱۹۷)

۱-۳. اهمیت صنعت براعت استهلال

در براعت استهلال متکلم برای جلب توجه مخاطب، با بکارگیری شگردهای متعدد ادبی نظیر استفاده از سبک توصیفی و فنون مختلف لفظی و معنوی در ابتدای متن، مخاطب را در جریان اطلاعاتی مرتبط با موضوع و نه از خود موضوع قرار می‌دهد. یعنی با یک شروع خوب و جذاب، مخاطب با گوینده همراه شده و به شنیدن متن تشویق می‌شود. شروع دلنشیں، پرمcona، راهگشا، بدون تکلف، اثرگذار، مرتبط با هدف نویسنده یا گوینده، نشان از تفکر و اندیشه پویای صاحب سخن دارد.

ابوهلال عسکری، صنعت حسن ابتدا را یکی از دلائل وضوح کلام دانسته و کاتبان را به رعایت آن سفارش کرده است: «أَحْسِنُوا مَا شَرِكُوكُمْ بِكِتابِ الْإِبْتِدَاءِ إِنَّهَا مِنْ دَلَائِلِ الْبَيَانِ». (همو، ۴۸۹)

عناصر ثابت استهلال عبارتند از: تحمید یا همان حمد الهی، ثناء و ستایش خداوند، شهادت به وحدانیت او، شهادت به رسالت پیامبر(ص). (الخرافی، ۷)

۴- ویژگی‌های ادبی خطبه‌های امام حسن(ع)

حمد و ثنای الهی در خطب امام حسن مجتبی(ع)، تأسی به سیره امیرمؤمنان(ع) و

رسول خدا(ص) در مطلع کلام است که با هدف تبلیغ آموزه‌های دینی صورت می‌گرفته است. عبارت «اما بعد» نیز به بخش زبانی بر می‌گردد. گویا خطیب با این عبارت، ایجاد مکث میان حمد و موضوع اصلی انداخته تا بدین وسیله مخاطب فرصت یافته و ذهنش برای شنیدن و اندیشه در موضوع اصلی آماده گردد. این شیوه از دوره جاهلیت تا عصر اموی معمول بوده، هر چند که در این عصر سبّ حضرت علی(ع) نیز به فرمان معاویه به عنوان عنصر اصلی در مطلع کلام در منابر عمومی اضافه گردید. تنها خطبه‌هایی که موضوع آنها مربوط به مواضع مهم امت عربی بوده، مستقیماً با عبارت «اما بعد» و بدون حمد الهی شروع شده و به اصل موضوع پرداخته است. به عنوان مثال خطبه دوم بدون بخش اول شروع شده و از دو سطر فراتر نیست، بلندی یا کوتاهی خطب دلایل متعددی دارد که از جمله می‌توان به بحران سیاسی اجتماعی و دینی آن دوره اشاره کرد. و یا در خطبه‌ای که ایشان به مناسبت شهادت پدر ایراد فرموده حزن عمیق و گریه شدید ناشی از قدر ناشناسی امت و جفا در حق ایشان، بر امام(ع) عارض شد و لذا سخن بیش از این ادامه نیافت. اکنون به بررسی ادبی افتتاحیات خطب می‌پردازیم.

۴. افتتاح به حمد و ثنای الهی

یکی از طولانی‌ترین خطبه‌های امام حسن(ع) خطبه‌ای است که قبل از صلح با معاویه ایراد فرمود. این خطبه به نقل از امام سجاد(ع) چنین روایت شده است: هنگامی که امام تصمیم به صلح گرفت با معاویه دیدار کرد. معاویه بالای منبر رفت و دستور داد امام یک پله پایین‌تر بایستد. آنگاه معاویه گفت: ای مردم، این حسن پسر علی و فاطمه است. ما را شایسته خلافت دانسته و خود را سزاوار آن نمی‌داند و آمده است تا با اختیار صلح کند. آنگاه گفت: ای حسن بایست. و امام برخاست و خطبه را با حمد و ثنای الهی شروع کرد: الحمد لله المستحمد بالآلاء، وتتابع النعماء، وصارف الشدائـ والـباء، عند الفـهـماء وغـيرـ الفـهـماء، المـذـعنـينـ من عـبـادـهـ لـامـتنـاعـهـ بـجـلالـهـ وـكـبـرـيـائـهـ، وـعـلـوهـ عـنـ لـحـوقـ الـأـوهـامـ بـيـقـائـهـ،

المرتفع عن كنه ظنانة المخلوقين، من أن تحيط بمكnon غبيه رويات عقول الرائين، وأشهد
أن لا إله إلا الله وحده في ربوبيته، وجوده ووحدانيته، صمدا لا شريك له، فردا لا ظهير
له، وأشهد أن محمدا عبده ورسوله، اصطفاه وانتجبه وارتضاه، وبعثه داعيا إلى الحق، و
سراجا منيرا، وللعباد مما يخافون نذيرا، ولما يأملون بشيرا، فنصح للأمة، وصدع بالرسالة،
وأبان لهم درجات العمالة، شهادة عليها أموت وأحشر، وبها في الآجلة أقرب وأحبر.

(مجلسی، ۱۳۹/۱۰)

ترجمه - سپاس خدای را سزاست که به سبب نعمت‌ها و پیاپی بودن آن‌ها و برطرف
ساختن شدائند و بلاها نزد دانایان و غیر آن‌ها شایسته حمد و ستایش است، بندگانی که به
وجودش اعتراف دارند، به سبب آن‌که به خاطر جلالت و بزرگیش از توهمندی دور مانده، و
از آن‌که اوهام به او راه یابد، برتر می‌باشد و از آن‌که در افکار مخلوقاتش قرار گیرد و
عقول اندیشمندان او را احاطه نماید اوج گرفته است. و گواهی می‌دهم که معبدی جز او
نمی‌باشد، در پروردگاری وجود و یگانگی‌اش یکتاست، بینیاز بوده و شریکی ندارد،
یکتاپی است که پشتیبان ندارد. و گواهی می‌دهم که محمد بنده و رسول اوست، او را
برگردید و انتخاب کرد، از او خشنود شد و او را برانگیخت تا به سوی حق دعوت کند و
چراغی فروزان است و از آن‌چه بندگان می‌ترسند بیم دهنده و به آن‌چه بدان امید دارند
بشارت دهنده است، پس برای امت پند داد و رسالتش را به انجام رسانید، و درجات عمل
را به ایشان نمایاند، شهادتی که بر آن عقیده مرده و محشور شوم و با آن در روز قیامت
نژدیک شده و مسرور گردد.

همانطور که ملاحظه می‌شود در ابتدای خطبه برخورد معاویه با امام حسن(ع)
برخوردی توهین‌آمیز است، آنجا که از امام می‌خواهد یک پله پایینتر بایستد، و خصوصا
وقتی می‌گوید: «هذا الحسن بن على و ابن فاطمة، رأنا للخلافة أهلاً و لم ير نفسه لها أهلاً و
قد أثانا ليبايع طوعاً»، معاویه تلاش می‌کند چهره خوبی از خود نشان دهد: اما با خطبه امام
نقشه‌اش نافرجام می‌ماند. این خطبه به چهار فراز تقسیم می‌شود: ستایش پروردگار،

رسالت پیامبر(ص) و ذکر فضایلش، ذکر فضایل اهل بیت(ع) و به ویژه حضرت علی(ع) و مژلت او نزد پیامبر(ص)، تصریح به شایستگی خود و برادرشان امام حسین(ع) و بیان پذیرش اجباری صلح با معاویه. بنابر این ابتدای خطبه حضرت، به ستایش خداوند اختصاص یافته، زیرا تنها او سزاوار ثنا است. در ادامه با ذکر شایستگی‌های حضرت علی(ع) فضای مخربی را که معاویه از امام علی(ع) ایجاد کرده، شکسته می‌شود. حسن ختمان نیز ذکر شایسته ترینها برای خلافت است. همانطور که ملاحظه می‌شود ابتدا و انتهای خطبه تناسب و انسجامی تام دارند. (نکونام، ۷۸)

حمد و سپاس طولانی و بدیع، بر مهارت بالای امام در فن سخنوری صحه می‌گذارد. امام(ع) در این تحمیدیه، عالیترین مضامین توحیدی را بیان نموده است. در این بخش حرف الف ۲۵ مرتبه تکرار شده است که نسبت به سایر حروف از بسامد بالایی برخوردار است. «از جمله خصوصیات حرف «الف» این است که دارای کشش زمانی یا مکانی است.» (حسن عباس، ۹۷) شاید کاربرد زیاد این حرف در خطبه نشان دهنده این باشد که صفات الهی که در این بخش قرار دارد، در طول زمان استمرار دارد و همیشگی است. (نکونام، ۸۶) براعت زبانی عالی، استدلالهای عقلانی و منطقی الهام گرفته شده از قرآن و سنت، کثرت تصاویر ادبی همه نشان از تسلط اندیشگانی و عاطفه قوی و صادق امام دارد. شروع خطبه با حمد الهی در حقیقت به موضوع اصلی خطبه که بیان شایستگی اهل بیت(ع) در به دست گرفتن خلافت است اشاره می‌کند. حضرت از حمد خداوند متعال شروع کرده و رسالت پیامبر از سوی خدا را یادآور می‌شوند. پیامبری که از میان مردم انتخاب شده و بر همه عالمیان برتری دارد و به واسطه او جبهه حق از باطل جدا می‌شود. سپس در انتهای خطبه، با اشاره به مقام بی‌همتای اهل بیت(ع) می‌فرماید: انا أهل بیت أکرمنا الله بالاسلام و اختارنا و اصطفانا و اجتبانا، فاذهب عننا الرجس و طهرنا تطهیرا.

و می‌گوییم: ای بندگان خدا بشنوید، و شما قلب‌ها و گوش‌هایی دارید پس بیندیشید، ما خاندانی هستیم که خداوند ما را به اسلام، گرامی داشت و ما را برگزید و انتخاب کرد، و از ما پلیدی را برطرف کرد و پاک و پاکیزه نمود....

ما را پاک گرداند، در حالی که از حضرت آدم تا ما مخلصانه برای او بوده‌ایم، در حالی که آن نعمتی از جانب اوست، در هر دو گروهی که در میان مردم وجود پیدا می‌کند، خداوند ما را در بهترین آن‌ها قرار داده است.

أنواع سجع در افتتاحیه خطبه، باعث ایجاد موسیقی و جلب توجه مخاطب و تشویق جهت ادامه گوش دادن شده است. به عنوان مثال بین (المستحمد بالآلاء، و تتبع النعماء، و صارف الشدائد و البلاء) سجع مطرّف وجود دارد. در این سجع، قافیه‌ها یکی است اما فاصله‌ها در وزن اختلاف دارند (هاشمی، ۴۲۲) طباق نیز بین (الفهماء و غير الفهماء)، و اشباع ضمیر(ها) در (عباده، امتناعه، جلاله، کبریائه، بقائه) در ایجاد آهنگ، نقش وافری دارد. معاویه در پایان می‌گوید: به خدا قسم حسن با این خطبه خود، زمین را بر من تیره و تار کرد. در آنجا خواستم که برخورد کنم اما دانستم که ساکت ماندن بیشتر مرا در امان نگاه می‌دارد». (بحرانی، ۸۳۲/۲)

لازم به ذکر است در پایان خطبه معاویه بلافاصله مجلس را ترک نمود که این امر بر عجز او و فصاحت بالای سخن از طرف دیگر دلالت دارد.

۴-۲. افتتاح به تأکید

برخی از خطبه‌ها با تأکید شروع شده که خود انواعی دارد از جمله:

۴-۱. لام و قد تحقیقیه

مخنف (به سندش) از ابی اسحق سبیعی و دیگران روایت کرده که گفتند: امام حسن(ع) در بامداد آن شبی که امیر المؤمنین(ع) در آن شب از دنیا رفت خطبه خواند، و حمد و ثنای خدای را به جای آورد و بر رسول خدا(ص) درود فرستاد، آنگاه فرمود:

لقد قبض فی هذه الليلة رجل لم يسبقه الأولون و لا يدركه الآخرون و قد كان رسول الله(ص) يعطيه رايته و يقاتل جبرئيل عن يمينه و ميكائيل عن شماله فما يرجع حتى يفتح

الله عليه و ما ترك على ظهر الأرض صfare و لا بيضاء إلا سبعمائة درهم فضل من عطائه
أراد أن يبتاع بها خادماً لأهله. (شيخ مفيد، ٤/٢)

ترجمه - به حقیقت در این شب مردی از دنیا رفت که پیشینیان در کردار از او پیشی نجستند، و آیندگان نیز در کردار به او نرسند، همانا با رسول خدا(ص) جهاد کرد و با جان خویش از آن حضرت دفاع نمود، و رسول خدا(ص) او را با پرچم خود (به جنگها) فرستاد و (جبرئیل و میکائیل) او را در میان می‌گرفتند، جبرئیل از سمت راستش، و میکائیل از سمت چپ او، و بازنمی‌گشت تا به دست توانای او خداوند(جنگ را) فتح کند و امام حسن(ع)، سخن خود را با تحمیدیه باری تعالی شروع کرده و به رحلت پدر بزرگوارشان از زاویه الهی می‌نگرند؛ نگاه امامی به امام دیگر. کسی که در گذشته مانند نداشته و در آینده نیز نخواهد داشت. کسی که پرچمدار فرستاده خدا بوده و به هنگام نبرد فرشتگان مقرّب الهی او را همراهی می‌کرده‌اند.

امام با چنین وصف ربانی مردم را غرق در بہت و ندامت ساخت. زیرا این سخن در دوره‌ای گفته شد که قبلًا معاویه در تمام منابر به سب و لعن امیر المؤمنین علی(ع) فرمان داده بود. سپس مقدس بودن شب رحلت را در فراز دیگر یادآور می‌شود: و لقد توفي(ع) في الليلة التي عرج فيها عيسى بن مريم، و فيها قبض يوشع بن نون وصي موسى(ع) و ما خلف صfare و لا بيضاء إلا سبعمائة درهم، فضل عن عطائه اراد ان يبتاع بها خادماً لأهله. ثم خنقته العبرة فبكى و بكى الناس معه.

ترجمه - و در همان شبی از دنیا رفت که عیسی بن مريم در آن شب به آسمان بالا رفت، و یوشع بن نون وصی حضرت موسی(ع) در آن شب از دنیا رفت، در حالی که هیچ درهم و دیناری از خود به جای نگذاشته جز هفتصد درهم که آن هم از بهره‌اش (که بیت‌المال داشت) زیاد آمده، و می‌خواست با آن پول برای خانواده خود خادمی خریداری کند. سپس بعض گلویش را گرفت و گریست، مردم نیز با آن حضرت گریه سر دادند. (همانجا)
خطبه با حرف «لام و قد تحقیقیه» و فعل ماضی شروع شده است. لام ابتداء و حرف قد

قبل از فعل ماضی دلالت بر تأکید دارد. (عبدالغنى، ۴۰۴-۴۰۵) و در جملات بعدی لام و حرف قد تکرار می‌شود. آغاز خطبه با جمله فعالیه است. به اعتقاد برخی علمای بلاغت، جمله اسمیه دلالت بر ثبوت و جمله فعلیه دلالت بر حدوث یا تجدد دارد. اما به نظر می‌رسد که ذات اسم بر ثبوت و استقرار، و فعل بر حدوث و تجدد دلالت دارد. (السامرائی: ۱۶۱) این تأکید بر اهمیت شب رحلت حضرت علی(ع) دلالت دارد که مصادف با پیوستن روح پیامبرانی دیگر به خدا در زمانهای قدیم است. عنصر عاطفه در عدم استمرار کلام به سبب بعض و اندوه امام خود را نشان می‌دهد.

۴-۲-۱. إن و آن

امام حسن مجتبی(ع) در محضر پدر و به امر ایشان خطبهای ایراد کردند که در آن پس از حمد و ثنای الهی چنین فرمود:

أَمَا بَعْدُ: فَإِنَّ الْقُبُورَ مَحْلُنَا، وَ الْقِيَامَ مَوْعِدُنَا، وَ اللَّهَ عَارِضُنَا. إِنَّ عَلِيًّا بَابُ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ
آمِنًا مُؤْمِنًا، وَ مَنْ خَرَجَ عَنْهُ كَانَ كَافِرًا. فَقَامَ إِلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ فَالْتَّمَمُ، وَ قَالَ: "بِأَيِّ أَنْتَ وَ
أُمِّي (ذُرِّيَّةَ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَبِيعُ عَلَيْمٌ)". (الحلوانی، ۷۳)

ترجمه - اما بعد، همانا قبور محل نزول ماست، و روز قیامت وعده‌گاه ماست، و خداوند دادخواه ماست، علی دری است که هر که بدان درآید درامان و با ایمان ماند و هر که از آن خارج گردد کافر شود.

در این خطبه پس از عبارت «اما بعد»، بلا فاصله اسلوب تأکید به حرف «إن» به کار رفته است. این حرف جزو حروف معانی است با این توضیح که به هنگام کاربرد در جمله معنایشان ظاهر می‌گردد (عکاشه، ۱۰۵).

حروف معانی در زبان عربی ۳۱ نوع است که از میان آنها «إن» نمود بیشتری در خطبه‌های نهج‌البلاغه دارد. این حرف، معانی مختلفی نظیر تأکید، ربط و تعلیل دارد. (السامرائی، ۲۶۴/۱)

جرجانی معتقد است اصل در این تأکید است و متكلم زمانی آن را در کلام بکار می‌برد که احساس کند شنونده چیزی برخلاف سخن او گمان کرده و در نتیجه برای اثبات کلام خود از آن استفاده می‌کند (جرجانی، ۳۲۸). گفته شده که این تأکید بیشتری از لام دارد و لفظ آن و تقلیل بودنش گواه بر این نکته است. (جیگاره، ۱۴۱) همچنین از جمله فواید تأکید با این را عدم تکرار جمله و جلوگیری از غفلت مخاطب ذکر کرده‌اند. (السامرایی، ۲۶۴/۱).

سپس امام به معاد و رستاخیز اشاره کرده و شرط سلامت گذر کردن از منزل آخرت را اطاعت از حضرت علی(ع) بیان می‌کند. تقابل در آخرین جملات (دخل / مؤمنا و خرج / کافرا) مرز رستگاری و انحطاط را که در پذیرش ولایت حضرت علی(ع) خلاصه شده، برجسته می‌سازد. خطبه با اقتباس از آیه ۳۴ سوره آل عمران خاتمه می‌یابد.

در خطبه‌ای دیگر به نقل از شعبی چنین روایت شده است: روزی معاویه وارد مدینه شده و به قصد ایراد خطبه برخاسته و بر علی بن ابی طالب تاخت. در این لحظه امام به قصد سخنرانی قیام نمود و پس از حمد و ثنای الهی فرمود:

إِنَّهُ لَمْ يُبَعِّثْ نَبِيًّا إِلَّا جُعِلَ لَهُ وَصِيٌّ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ - وَلَمْ يَكُنْ نَبِيًّا إِلَّا وَلَهُ عَدُوٌّ مِنَ الْمُجْرِمِينَ وَإِنَّ عَلَيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ وَصِيًّا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنَا إِنِّي عَلَىٰ وَأَنْتَ إِنِّي صَخْرٌ وَجَدُّكَ حَرْبٌ وَجَدُّ رَسُولِ اللَّهِ وَأُمُّكَ هِنْدٌ وَأُمُّي فَاطِمَةٌ وَجَدُّتِي خَدِيجَةٌ وَجَدُّتِكَ نَثِيلَةٌ فَعَنَّ اللَّهِ الْأَمْنَاءِ حَسِبَأً وَأَقْدَمَنَا كُفُرًا وَأَخْمَمَنَا ذِكْرًا وَأَشَدَّنَا نِفَاقًا فَقَالَ عَامَّةُ أَهْلِ الْمَجْلِسِ آمِينَ فَنَزَلَ مُعَاوِيَةً فَقَطَعَ خُطْبَتَهُ. (الطبرسی، ۲۸۲/۱)

ترجمه - هیچ پیامبری مبعوث نشده جز آنکه وصی و جانشینی از اهل او مقرر گردیده، و هیچ پیامبری نیست جز اینکه او را دشمنی از میان مجرمان است، و بی‌شک علی بن ابی طالب وصی رسول خدا(ص) پس از اوست، و من پسر علی، و تو (ای معاویه) فرزند صخری، و جد تو حرب است، و جد من رسول خدا است، و مادر تو هند و مادر من فاطمه است، و مادر بزرگ من خدیجه است و مادر بزرگ تو نثیله، پس خداوند بدترین ما را از نظر حسب؛ و قدیمترین مان را از نظر کفر، و بد سابقه‌ترین مان و منافقترین مان را لعن کند!

پس تمامی حضار یکپارچه گفتند: آمین! پس معاویه با دیدن این صحنه خطبهاش را قطع کرده و از منبر پائین آمد.

هنگامی که معاویه، حضرت علی(ع) را لعن نمود، امام حسن(ع) برآشست اما سخنی جز به ادب و نزاکت بر زبان نراند. از آنجا که مخاطبین افرادی گمراه بودند امام سخن خود را با اسلوب خبر انکاری آغاز نمود. در این اسلوب چندین تأکید ملاحظه می‌شود که نشان دهنده انکار خبر از سوی شنوندگان است. این اسلوبها عبارتند از: جمله اسمیه، کاربرد حرف إنّ که برای تأکید خبر بکار رفته (وصی رسول، همان امام همام علی بن أبي طالب است که معاویه در منابر امر به سبّ او کرده) و تکرار آن، حصر به الله و تکرار آن، و تقدیم جار و مجرور در (له عدو). سپس امام از آرایه تقابل استفاده می‌کند. امام به جهت نسبی، اجتماعی، ایمانی، بین خود و معاویه مقایسه نمود. در جملات بعدی اسلوب خبری ابتدایی، بکار رفته، اسلوبی که خالی از تأکید است. زیرا حقایقی مطرح شده که هرگز احدي در صحت آن شک نمی‌کند (أنا ابن علی...). در نتیجه این مقایسه، برگشت لعن به کسی شد که سزاوارترین شخص برای لعن و نفرین است، بدون اینکه امام(ع) حتی یک کلمه درستی نماید. از نظر نسبی جد امام حسن(ع) به پیامبر(ص) می‌رسد، مادرش حضرت زهراء(س) دختر رسول خدا(ص) است و جد مادریش حضرت خدیجه(س)، نخستین بانوی است که اسلام آورد. در حالی که جد پدری معاویه، بر شرک مرد و مادرش، هند همسر ابوسفیان بود که مانند مادر شوهرش در دوره پیش از اسلام جزو زنان اهل پرچم (فاجرہ) بشمار میرفت. (هشام بن کلیی، ۷۳) وکانت هند من المغتلمات و كان أحب الرجال إليها السودان فكانت إذا ولدت أسود قتلتة) و بعد از فتح مکه مسلمان شد.

این مقایسه نه از روی تفاخر بلکه برای تکذیب ادعای معاویه و با ادله متقن و به قصد پرده برداشتن از تصویر دروغینی که معاویه ساخته بود انجام پذیرفت.

- امام در بخش اول از طریق صنعت تقابل حقیقتی را اظهار کردند که معاویه با بدگویی از امام علی(ع) سعی در تحریف آن داشت اینکه هیچ پیامبری مبعوث نشده جز آنکه وصیّ

و جانشینی از اهل او مقرر گردیده است. این وصی و جانشین از نظر صلاحیت، حسن خلق، تقوا و مواظبت بر پرهیزگاری به سیره پیامبر عمل می‌کند، و هیچ پیامبری نیست جز اینکه او را دشمنی از میان مجرمان است، و علی بن ابی طالب را به عنوان وصی رسول خدا(ص) پس از پیامبر معرفی می‌کند، زیرا با این ویژگیها دشمنانش پیش از دوستانش آشنا شوند. احادیثی که در صحت و تواتر به وصایت خویش تصریح کرده‌اند. مانند حدیثی که پیامبر(ص) در غزوه تبوک فرمود: ولا سیما حدیث المنزلة حين قال فی غزوہ تبوک: «انت منی بمنزلة هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی» (حسینی المیلانی، ۳۶۳/۱۸-۴۱۱) و در غدیر خم، و در مقابل برای هر پیامبری دشمنی از مجرمان است در این عبارت امام حسن(ع) آمده: «وَإِنْ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ وَصَّيِّرَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ بَعْدِهِ» تا بدگویی از پدرش را با یادآوری حدیث منزلت و غدیر خم خنثی سازد. و به طرف دیگر - معاویه - که از وصی بدگویی می‌کند و دشمن پیامبر(ص) است اشاره نماید. واضح است که اثرگذاری تلمیح از تصریح بیشتر بوده و شیوه سبط پیامبر(ص) حتی در مورد دشمن - برخلاف معاویه که بسیار لعن‌کننده بود - ناسزا و نفرین یا ذکر صریح خصومت نیست و مؤمن از این خصلت مبرأ است. لذا از پاک طینت جز خیر و از بد سرشت جز شر انتظار نمی‌رود. در خطبه ۲۰۶ نهج البلاغه چنین آمده است: «كَرِهْتُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا لَعَانِينَ شَتَّامِينَ» (دشتی، ۱۸۱/۳).

از آنجا که صنعت مقابله، یکی از سبکهای محکم برای استدلال و اقناع مخاطب به شمار می‌رود امام صفات متضاد دو طرف را برای مردم اظهار نمود تا مردم با موازنه، به آسانی تصویر درستی از دو طرف ترسیم نمایند. امام در معرفی خود و معاویه تنها به ذکر اسم و نه چیز بیشتر، اکتفا نمود: «أَنَا ابْنُ عَلِيٍّ، وَ أَنْتَ ابْنُ صَحْرٍ» قضاوت را به اذهان مردم سپرد تا تنها شنونده نباشد و با یادآوری رویدادهای گذشته، خیر و شر را تشخیص دهنند. و با عبارتهای: «فَلَعَنَ اللَّهِ الْأَمَنَا حَسَبًا وَ أَقْدَمَنَا كُفْرًا وَ أَخْمَلَنَا ذِكْرًا وَ أَشَدَّنَا نِفَاقًا»، این کاربرد هوشمندانه آرایه تقابل باعث شد امام بدون اینکه شخص سزاوار لعن را تعیین

فرماید، مستمعینی را که غالباً از طرفداران معاویه بودند به آمین گفتن و داشتند، و معاویه که روند ادامه خطبه را به صلاح نمی‌دید با پایین آمدن از منبر خطبه را رها کرد.
در خطبه‌ای دیگر که برای تشویق مردم به جهاد ایراد فرمود باز هم حضرت مطلع آن را با حرف تأکید «إن» چنین شروع کردند:

أما بعد: فإن الله كتب الجهاد على خلقه، وسماه كرها. ثم قال لأهل الجهاد من المؤمنين:
«وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» فلستم أيها الناس نائلين ما تحبون إلا بالصبر على ما تكرهون. بلغني أن معاوية بلغه أنا كنا أزمعنا على المسير إليه، فتحرک لذلك، اخرجوا رحmkm الله إلى معسركم بالتخلية، حتى نظر و تظروا، و نرى و تروا - «إِنَّهُ فِي كَلَامِه لِيَتَخَوَّفَ الْخَذَلَانِ النَّاسُ لَهُ». (اصفهانی، ۳۵)

ترجمه - سپس سکوت حکم فرما شد و پس از مدتی عدی بن حاتم در تأیید کلام امام، خطبه‌ای دیگر خواند.

این خطبه نیز با عبارت (اما بعد) شروع شده و استهلال آن با بینامنیت قرآنی آیه ۲۱۶ سوره بقره انجام می‌پذیرد: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ القِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ»، سپس با اقتباس از آیه ۴۶ سوره انفال ادامه می‌پاید: «وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ». از آنجا که هیچ استدلالی محکم‌تر از استدلال به آیات قرآنی نیست لذا امام در ابتدای سخنان خود به کلام وحی تکیه کرده‌اند که قوی‌ترین استهلال است. سپس با مردم به اسلوب ندای عام «أَيُّهَا النَّاسُ» سخن می‌گوید: ای مردم به آنچه دوست دارید نمی‌رسید مگر اینکه بر آنچه دوست ندارید صیر کنید. طباق در (تحبون / تکرهون)، معنا را متمایز کرده و با اسلوب حصر آن را مورد تأکید قرار داده است. در فرازهای بعدی استفاده از آرایه تکرار از طریق مشتقات در کلمات (نظر و تظروا، و نرى و تروا) ایجاد آهنگ کرده است. به این ترتیب بینامنیت، اقتباس و آهنگ در مطلع خطبه، باعث جلب توجه مخاطب و ایجاد انگیزه برای شنیدن ادامه کلام شده و براعت استهلال محقق شده است.

۴-۳. افتتاح به ندا

امام حسن(ع) در خطبه‌ای که پس از شهادت پدر ایراد فرمودند با منادا قرار دادن مردم به معرفی خود می‌پرداخت:

أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ عَرَفَنِي فَقَدْ عَرَفَنِي وَ مَنْ لَمْ يَعْرَفْنِي فَأَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَ أَنَا إِبْنُ الْوَصِّيِّ
وَ أَنَا إِبْنُ الْبَشِيرِ وَ أَنَا إِبْنُ النَّذِيرِ وَ أَنَا إِبْنُ الدَّاعِيِّ إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ أَنَا إِبْنُ السَّرَّاجِ الْمُنِيرِ وَ مَنْ
أَهْلُ الْبَيْتِ الَّذِي كَانَ جَبَرِيلُ يَنْزِلُ فِيهِ وَ يَصْعُدُ مِنْ عَنْدِنَا وَ أَنَا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَذْهَبَ
اللَّهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَرَهُمْ تَطْهِيرًا وَ أَنَا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ افْرَضَ اللَّهُ مُوْدَتَهُمْ عَلَىٰ كُلِّ
مُسْلِمٍ فَقَالَ لِنَبِيِّهِ «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَ مَنْ يَتَّقْرَبُ حَسَنَةً نَزِدُهُ
فِيهَا حُسْنًا» (الشوری، ۲۳) فاقتراض الحسنة محبتنا أهل البيت. (صفوت، ۱/۲)

اسلوب ندا یکی از شیوه‌های مؤثر استهلال است که متکلم آن را بر می‌گزیند و از طریق آن با مخاطب ارتباط برقرار کرده و توجه او را در کمترین زمان ممکن به خود جلب می‌کند. این اسلوب أبعاد روحی روانی و زیبائی خاص خود را دارد و شاعران و خطیبان عرب برای تأثیرگذاری بیشتر در ابتدای کلام و یا مطلع قصاید خود از آن بهره گرفته‌اند. صیغه ندا که برای درخواست توجه منادا است، گاه در غیر این درخواست بکار می‌رود، مانند جائی که برای برانگیختن، اختصاص، استغاثه، تعجب و یا ابراز غم و اندوه باشد. این اسلوب را می‌توان به ندای عام و خاص تقسیم کرد. امام حسن(ع) در این خطبه با مخاطب قرار دادن جمعیت: «أَيُّهَا النَّاسُ» ندای عام بکار برده‌اند که دلالت بر عموم مردم دارد. این ندا با اسلوب شرط همراه شده است.

در خطبه‌ای دیگر نیز، پس از حمد و ثنای الهی امام(ع) با خطاب عام «أَيُّهَا النَّاسُ» کلام خود را شروع کرده و با حرف تأکید إنّ ادامه داده‌اند. پس از عقد صلح نامه، معاویه از حضرت خواست که در حضور مردم به این سخن اقرار کرده و امر را تسلیم معاویه کند. امام حسن(ع) نیز چنین فرمودند:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَكْيَسَ الْكَيْسَ الْتَّقَىٰ وَ أَحْمَقَ الْحُمْقَ الْفُجُورُ وَ إِنَّكُمْ لَوْ طَلَبْتُمْ مَا

بَيْنَ جَابِقَ وَ جَابِسَ رَجُلًا جَدُهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَا وَجَدْتُمُوهُ غَيْرِهِ وَغَيْرَهُ أَخِي الْحُسَيْنِ وَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ اللَّهَ هَدَكُمْ بِجَدِّي مُحَمَّدٍ فَانْقَذَكُمْ بِهِ مِنَ الظَّلَّةِ وَرَفَعَكُمْ بِهِ مِنَ الْجَهَالَةِ وَأَعْزَكُمْ بِهِ بَعْدَ الدَّلَّةِ وَكَثَرْكُمْ بِهِ بَعْدَ الْقِلَّةِ إِنَّ مُعَاوِيَةَ نَازَعَنِي حَقًّا هُوَ لِي دُونَهُ فَنَظَرْتُ لِصَلَاحِ الْأَمَّةِ وَقَطْعُ الْفِتْنَةِ وَقَدْ كُنْتُمْ بِإِيمَانِنِي عَلَى أَنْ تَسَالُّمُونَ [تُسَالِمُوا] مَنْ سَالَّمْتُ وَتَحَارِبُونَ [تُحَارِبُوا] مَنْ حَارَبْتُ فَرَأَيْتُ أَنَّ أَسَالَّمَ مُعَاوِيَةَ وَأَضَعَ الْحَرْبَ بَيْنِي وَبَيْهُ وَقَدْ بَأَيْعُنْهُ وَرَأَيْتُ [أَنَّ] حَقْنَ الدَّمَاءِ خَيْرٌ مِنْ سَفْكِهَا وَلَمْ أُرْدِ بِذَلِكَ إِلَّا صَلَاحَكُمْ وَبَقَاءَكُمْ وَإِنْ أَدْرِي لَعْلَةُ فِتْنَةِ لَكُمْ وَمَتَاعُ إِلَيْ حَيْنِ (الإربلي، ۱۹۳-۱۹۴/۲)

حضرت در این فراز به برتری امام علی(ع) از طریق بیان شخصیت و مکارم اخلاقی او اشاره کرده و سپس به اثبات حق علوی در خلافت که خدا و رسولش بدان تأکید فرموده‌اند، رسیده است. منصب خلافت بعد از نبی(ص) از سوی خدا تعیین شده و به کسی که مبرا از هر گونه پلیدی و گمراهی است عطا می‌گردد. براعت استهلال این خطبه در اشاره عام به اصل مطلب نهفته است.

در این خطبه پس از اسلوب خطاب عام، حرف تأکید با اسم تفضیل به کار رفته است. در کاربرد عبارت ترکیبی حرف تأکید و اسم تفضیل باید به دلالت آن توجه داشت زیرا به این ترتیب شنونده برای فهمیدن خبر مبتدا (أَكِيس الْكِيس... وَ أَحْمَقُ الْحَمْق...) مشتاق‌تر گردد. در ترکیب حرف تأکید و ضمیر مخاطب یعنی (إِنَّكُمْ)، شنونده از همان ابتدا با گفتمانی انحصاری مواجه می‌شود. «لو» که حرف امتناع جواب برای امتناع شرط است، اسلوب شرطی غیرمستقیم ایجاد می‌کند. در جمله: «وَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ اللَّهَ هَدَكُمْ بِجَدِّي مُحَمَّدٍ فَانْقَذَكُمْ بِهِ مِنَ الظَّلَّةِ»، قد و حرف تأکید «إِنَّ» نشان می‌دهد مراد از اسلوب خبر، آگاه کردن مردم نیست بلکه خبر انکاری است. هنگامی که مخاطب خبر را نمی‌پذیرد و انکار می‌کند خبر را با تأکید بیشتری ذکر می‌کنیم. (السکاکی، ۲۵۸-۲۵۹) یعنی مخاطبین منکر قضیه هدایتشان به دست پیامبر(ص) و نجاتشان از گمراهی بودند.

براعت استهلال این خطبه با کنایه‌ای به معاویه و امثال وی که اهل فسق و فسادند

شروع می‌شود، و بلا فاصله به طور ضمنی و غیرمستقیم به ویژگی‌های شایسته‌ترین فرد برای خلافت اشاره می‌گردد که کسی جز حسنین(ع) نیست. جمله «إِنَّ مُعاوِيَةَ نَازَعَنِيْ حَقًاً هُوَ لِيْ دُونَهُ» به بیان حق مسلم امام در خلافت و سازش اجباری آن حضرت تصریح دارد. نکته طریف این است که امام حسن(ع) در باب معرفی خود به نسبتشان از ناحیه پیامبر(ص) اشاره می‌کند نه از ناحیه امام علی(ع).

از سوی دیگر کاربرد ثنایات مانند (أَكِيس / أَحْمَق، الْضَّلَالَةُ / الْجَهَالَةُ، أَعْزَّكُمُ / الْذَّلَّةُ، سَالَمَتُ / حَارَبَتُ، كَثَرَكُمُ / الْقِلَّةُ، حَقْنَ الْدَّمَاءِ / سَفْكُ الدَّمَاءِ) به برجستگی معنا کمک شایانی کرده است. آرایه سجع در ابتدای کلام در جملات (إِنَّ أَكِيسَ الْكَيْسِ التَّقَىْ وَأَحْمَقَ الْحُمْقِ الْفُجُورُ وَ در ادامه در جملات (فَأَنْقَذَكُمْ بِهِ مِنَ الْضَّلَالَةِ وَ رَفَعَكُمْ بِهِ مِنَ الْجَهَالَةِ / وَ أَعْزَّكُمْ بِهِ بَعْدَ الْذَّلَّةِ وَ كَثَرَكُمْ بِهِ بَعْدَ الْقِلَّةِ) ملاحظه می‌شود. پیداست که این صنعت بدیعی با آهنگین ساختن لحن، در جلب توجه مخاطب و تأثیرگذاری نقش وافری دارد.

همچنین در این خطبه، بینامنیت قرآنی در خاتمه ملاحظه می‌شود که برگرفته از آیه ۱۱ سوره انبیاء است: «وَإِنْ أَدْرِيْ لَعَلَّهُ فِتْنَةُ لَكُمْ وَمَنَاعَ إِلَيْ حِينٍ» این حسن ختم، به مردم خاطر نشان می‌کند که جنگ یا صلح، آزمایشی الهی است.

حضرت، با این مقدمه تحمیدیه، به برتری امام علی(ع) از طریق بیان شخصیت و مکارم اخلاقی او اشاره کرده و سپس به اثبات حق علوی در خلافت که خدا و رسولش بدان تأکید کرده‌اند، رسیده است. منصب خلافت بعد از نبی(ص) از سوی خدا تعیین شده و به کسی که مبرا از هر گونه پلیدی و گمراهی است عطا می‌گردد. براعت استهلال این خطبه در اشاره عام به اصل مطلب نهفته است.

۴. افتتاح به شرط

برخی از خطب با شرط آغاز شده‌اند. به عنوان نمونه، در روایتی چنین آمده که امیرمؤمنان علی(ع) خطاب به فرزندش - امام حسن(ع) - فرمود: برخیز و خطبه‌ای بخوان

تا سخن‌ت را بشنو. امام (ع) پیا خاست و چنین سخن آغاز کرد: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنْ تَكَلَّمَ سَمِعَ كَلَامَهُ، وَمَنْ سَكَتَ عَلِمَ مَا فِي ضَمِيرِهِ، وَمَنْ عَاشَ فَعَلَيْهِ رِزْقُهُ، وَمَنْ مَاتَ فَإِلَيْهِ مَعَادُهُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلَّمَ.** (الحلوانی، ۷۳)

براعت استهلال این فراز را می‌توان در تکرار حرف شرط «من» دانست.

در آستانه جنگ جمل نیز، امام حسن(ع) در مسجد کوفه، برای آماده کردن مردم، خطبه کاملی را با ذکر ستایش پروردگار، چنین ایراد فرمودند: «الحمد لله العزيز الجبار الواحد القهار الكبير المتعال... أَحَمَّهُ عَلَى حَسْنِ الْبَلَاءِ وَتَظَاهَرُ النِّعَمُ وَعَلَى مَا أَحَبَّنَا وَكَرَهَا مِنْ شَدَّةِ وَرَخَاءِ...» سپس با استفاده از اسلوب شرط خطبه خود را چنین آغاز نمودند:

مَنْ عَرَفَنِي فَقَدْ عَرَفَنِي وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْنِي فَأَنَا الْحَسَنُ إِنْ رَسُولُ اللَّهِ أَنَا إِنْ أُبَشِّرُ النَّذِيرَ أَنَا إِنْ أُمُصْطَفَى بِالرِّسَالَةِ أَنَا إِنْ مَنْ صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ أَنَا إِنْ مَنْ شُرِّفَتْ بِهِ الْأَمَّةُ أَنَا إِنْ مَنْ كَانَ جَبَرَئِيلُ السَّفِيرُ مِنَ اللَّهِ إِلَيْهِ أَنَا إِنْ مَنْ بُعِثَ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ.
فَقَالَ أَنَا إِنْ الْمُسْتَجَابُ الدَّاعُوَةُ أَنَا إِنْ مَنْ كَانَ مِنْ رَبِّهِ كَقَابٌ قَوْسَيْنٌ أَوْ أَدْنَى أَنَا إِنْ الشَّفِيعُ الْمُطَاعُ أَنَا إِنْ مَكَّهٌ وَمِنِّي أَنَا إِنْ مَنْ خَضَعَتْ لَهُ قُرْيَشٌ رَغْمًا أَنَا إِنْ مَنْ سَعِدَ تَابُعُهُ وَشَقِّيَ خَازِلُهُ أَنَا إِنْ مَنْ جَعَلَتِ الْأَرْضُ لَهُ طَهُورًا وَمَسْجِدًا أَنَا إِنْ مَنْ كَانَتْ أَخْبَارُ السَّمَاءِ إِلَيْهِ تَتَرَى أَنَا إِنْ مَنْ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَرَهُمْ تَطْهِيرًا. (الطبرسی، ۳۶۸-۳۶۹)

ترجمه - سخنرانی امام حسن(ع) پس از صلح - (آن هنگام که معاویه به ایشان گفت: برتری ما را یاد کن) امام حسن(ع) پس از حمد و سپاس خدا و فرستادن صلوات بر محمد و آل محمد، فرمود: هر که مرا می‌شناسد، می‌شناسد و هر که مرا نمی‌شناسد، بداند من حسن فرزند پیامبر خدا، فرزند پیامبر بشارتگر و هشدار دهنده، فرزند برگزیده به رسالت هستم. منم فرزند آن کس که فرشتگان بر او صلوات می‌فرستند، منم فرزند آن کس که امت در سایه او شرافت یافتند، منم فرزند آن کس که جبرئیل از جانب خدا برای او سفیر بود، منم فرزند آن کس که به رحمت بر جهانیان مبعوث شد کسی که درود خدا بر او و همه آلس باد.

سپس بر سر سخن خود رفت و فرمود: منم فرزند آن کس که دعایش مستجاب می‌شد، منم

فرزند آن کس که مقام قرب او به پروردگارش به قدر طول دو انتهای کمان یا نزدیکتر از آن بود، منم فرزند آن شفاعتگری که شفاعتش پذیرفته شده است، منم فرزند مکه و منا، منم فرزند آن کس که قریش مجبور به تسلیم در برابر او شد، منم فرزند آن کس که پیرو او خوشبخت شود و رها کننده اش بدبخت گردد، منم فرزند آن کس که زمین برای او پاک کننده و سجده گاه قرار داده شده، منم فرزند آن کس که اخبار آسمانی پیوسته برایش می‌رسید. منم فرزند آنان که خداوند، پلیدی را از ایشان دور ساخت و خوب پاکیزه و پاکشان نمود.

کاربرد اسلوب شرط در جلب توجه مخاطب بسیار مؤثر است زیرا مخاطب برای رسیدن به نتیجه ملزم به گوش دادن می‌شود. به خصوص در این فراز که جواب شرط به شیوه توضیحی و تفصیلی و با تکرار حرف عطف ذکر شده است: «مَنْ عَرَفَنِي فَقُدْ عَرَفْنِي وَ مَنْ لَمْ يَعْرَفْنِي فَأَنَا الْحَسْنُ بْنُ عَلِيٍّ...».

تکرار ضمیر (أنا ابنُ) ۱۶ بار، پس از تکرار کلمه (عَرَفَنِي) ۳ بار، بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است. عبارت «أنا ابنُ» حکایت از قربات و الفت میان پدر و پسر دارد. (عسکری: ۲۸۱-۲۸۲) امام در این خطبه تنها واژه «ابن» را به کار برده‌اند و در هیچ یک از مترادف این یعنی «ولد» استفاده نکرده‌اند. تکرار حاصله، علاوه بر تأکید مضمون به موسیقی متن نیز کمک کرده است. (نکونام، ۸۸)

جملات مطلع، همه اسمیه‌اند، لذا دلالت بر ثبوت دارند و از طرف دیگر جمله اسمیه، نشان دهنده تأکید کلامی گوینده است. امام حسن (ع) استهلال خطبه را به معرفی خود اختصاص داده و در آن نسبت خود با پیامبر(ص) را یادآور می‌شوند. همچنین در این انتساب، چندین بار از بینامنیت قرآنی استفاده کرده‌اند. جمله: «أَنَا إِنْ مَنْ كَانَ مِنْ رَبِّهِ كَفَابِ قَوْسِينِ أَوْ أَذْنِى» بینامنیت با آیه ۹ سوره نجم دارد: «فَكَانَ قَابِ قَوْسِينِ أَوْ أَذْنِى».

جمله: «صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ» بینامنیت با آیه ۵۶ سوره احزاب دارد: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلِّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَئِيَّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلَوَا عَلَيْهِ وَسَلَّمُوا تَسْلِيمًا». جمله: «أَنَا إِنْ مَنْ بُعِثَ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ» بینامنیت با آیه ۱۰۷ سوره انبیاء دارد: «أَنَا إِنْ مَنْ بُعِثَ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ».

آخرین جمله در این فراز نیز بینامنیت قرآنی با آیه ۳۳ سوره احزاب دارد: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيرًا» امام با این آیه به سخنان خود خاتمه داده‌اند تا به مردم اظهار نمایند که از اهل بیت پیامبر بوده و آنان در حقش اچحاف کرده‌اند. همانطور که ملاحظه می‌شود در آغاز خطبه اسلوب شرط بکار رفته است. به خصوص در این فراز که جواب شرط به شیوه توضیحی و تفصیلی و با تکرار حرف عطف ذکر شده است: «مَنْ عَرَفَنِي فَقَدْ عَرَفْنِي وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْنِي فَأَنَا الْحَسْنُ بْنُ عَلِيٍّ...». البته آرایه تکرار نیز قابل تأمل است. این صنعت ادبی که یکی از پرکاربردترین اسلوبهای بیانی کلام شمرده می‌شود، علاوه بر انتقال مفاهیم و مضامین مورد نظر به مخاطب در ارتقای زیبایی و کیفیت متن نیز نقش برجسته‌ای از خود ایفا می‌کند. البته باید به این نکته توجه داشت که استفاده نابجا از آن مخلص فصاحت و بلاغت بوده و از سوی برخی ناقدان نگوهیده شده است. این اسلوب که به اشکال مختلفی در متن نمود می‌یابد دلالتهای معنایی متعددی مانند تأکید، بشارت، تهدید، عبرت، تفهیم مطلب و مانند آن ایجاد می‌کند (نک: ملازاده و رحمانیان، ۱۱-۱۳).

تکرار واژگان: «الله» ۲ بار، «عرفني» ۳ بار، «ابن» ۶ بار، عبارت «أهل البيت» ۴ بار، ضمیر متکلم «أنا» ۸ بار، اسم استفهام «مَنْ» ۳ بار، حرف جرّ «من» ۴ بار. تکرار الله دلالت بر محوریت خداوند در ذهن امام دارد. علاوه بر اسلوب تکرار، آرایه‌های دیگر نظیر طباق سلب در «عرفنی / لم یعرفنی» و جناس محرّف در: «مَن / مِن»، نیز در ایجاد موسیقی کلام نقش دارند. از دیگر سو از آنجا که تأثیر آخرین کلام در ذهن مخاطب بیشتر است، حضرت برای حسن ختام خطبه، به آیه ۲۳ سوره شوری اقتباس فرموده تا بدین گونه بر حق خلافت علوی، و ادامه آن در اهل بیت(ع) به وضوح تصريح فرمایند.

۵. نتایج مقاله

- ۱- فصاحت واژگان و بلاغت عبارتها، دقت در بکار بردن هر سبکی در جای خود طبق سیاق و متناسب با شرایط موجود جامعه و حال مخاطب، از مهمترین نکات برجسته

خطبه‌های امام حسن(ع) است.

۲- هر چند به وضوح پیداست که خطبه با اهداف سیاسی و تحلیل وضعیت نابسامان اجتماعی مردم ایراد شده، ولی مملو از مباحث توحیدی، صفات پروردگار و رضا به قضای او بوده و از طرفی جایگاه امامت و مقام اهل بیت (ع) را محور توحید معرفی فرموده است. گویی از نظر ایشان نه تنها توحید و امامت دو روی یک سکه‌اند بلکه خلافت و حکومت نیز حق انحصاری اهل بیت (ع) است.

۳- امام (ع) در خطابه‌های خود از شیوه‌های متنوع کلامی و ادله فراوان عقلی و نقلی با استفاده از قرآن و حدیث برای قانع نمودن مخاطبان بهره برده‌اند.

۴- خطب کوتاه نیز برخوردار از محتواهای رفیع و مشحون از معارف توحیدی است. هر چند که مؤرخان علت ایجاز را قطع سخنرانی ایشان از طرف دشمنان که بیانگر خفقان سیاسی حاکم است، گزارش نموده‌اند، با این وجود مقصود متکلم که روش‌نگری بوده به دلیل احاطه کامل به فنون سخنوری، به نحو شایسته برآورده شده است.

۵- ساختار گسترده آغازین برخی از خطبه‌ها، ضمن سرشار بودن از معارف توحیدی و امامت به گونه‌ای ایراد شده است که بلافاصله مخاطب به تمام مقصود گوینده یی می‌برد و لذا می‌توان آن را بهترین مصدق براعت استهلال دانست.

۶- خطب حضرت علاوه بر آراسته بودن به زیور براعت استهلال، مزین به حسن ختم نیز بوده و این همان انسجام بافت کلام منطبق با عالیترین مهارت‌های سخنوری در زبان عرب است.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. الإربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمۃ، بیروت، دار الأضواء، د.ت.
۳. الإصفهانی، أبوالفرج علی بن الحسین، مقاتل الطالبین، بیروت، دار الكتب العلمیة، ۱۹۷۱.
۴. ابن كلبی، هشام، مثالب العرب، تبح: نجاح الطائی، بیروت، دار الهدی، ۱۹۹۸.
۵. بستانی، محمود، اسلام و هنر، ترجمه: حسین صابری، چاپ دوم، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸ ش.
۶. الجرجانی، عبدالقاهر، دلائل الإعجاز، تبح: محمود محمد شاکر، د.ت.
۷. جیگاره، مینا، تفاوتهای معنایی در نحو کاربردی، چاپ اول، تهران، انتشارات نظری، ۱۳۹۵ ش.
۸. حسینی المیلانی، علی، نفحات الأزهار فی خلاصۃ عبقات الأنوار، ج ۱۸، قم، الحقایق، ۱۳۸۴ ش.
۹. الحلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر، نزهۃ النظر و تبییہ الخاطر، الطبعۃ الأولى، قم، تبح. ونشر مدرسة الإمام المهدی(ع)، ۱۴۰۸ ق.
۱۰. خوانساری، محمد، منطق صوری، چاپ پانزدهم، بی.جا، انتشارات آگاه، ۱۳۷۲ ش.
۱۱. السکاکی، یوسف بن أبي بکر، مفتاح العلوم، بیروت، دار الكتب العلمیة، ۲۰۰۰ م.
۱۲. السامرائی، فاضل صالح. الجملة العربية تأليفها وأقسامها، الطبعۃ الثالثة، عمان: دار الفکر، ۲۰۰۹ م.
۱۳. سیدرضی، محمدبن حسین، نهج البلاغه، ترجمه محمددشتی، تهران، پیام عدالت، ۱۳۹۰ ش.
۱۴. صفوت، احمد زکی، جمهرة خطب العرب فی عصور العربية الظاهره، الطبعۃ الأولى، الجزء الثاني، مصر، مطبعة مصطفی بابی الحلبی وأولاده، ۱۹۳۳ م.
۱۵. الطبرسی، ابومنصور، الاحتجاج، منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۶ ق.
۱۶. طبانة، بدوى، معجم البلاغة العربية، الطبعۃ الثانية، المجلد الأول، الرياض، دار العلوم للطباعة و النشر، د.ت.
۱۷. عباس، حسن، خصائص الحروف و معانیها، منشورات اتحاد الكتاب العرب، ۱۹۹۸ م.
۱۸. العسكري، ابوهلال، الصناعتين الكتابة والشعر، تبح: البجاوی و ابراهیم، الطبعۃ الثالثة، بیروت، المکتبة العصریة، ۱۴۱۹ ق. <https://www.noorlib.ir>
۱۹. عکاشة، محمود. التحلیل اللغوی فی ضوء علم الدلالة، مصر: دار النشر للجامعات، ۲۰۰۵ م.
۲۰. الفاخوری، حنّا، الموجز فی الأدب العربي وتاریخه: الأدب العربي القديم، الطبعۃ الثانية، بیروت، دار الجبل، ۱۹۹۱.
۲۱. الموسوی، مصطفی، الروائع المختارة من خطب الإمام الحسن(ع)، تبح: السيد مرتضی الرضوی، الطبعۃ الأولى، <http://shiaonlinelibrary.com> ، ۱۹۷۵
۲۲. مفید، محمد بن النعمان، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ترجمه استاد امیرخان بلسوکی، نشر تهذیب، ۱۳۹۶ ش.
۲۳. میرزا عبدالعظیم خان، البدیع، ۳۲، چاپ ۲، ۱۳۰۸ ش، تهران، فردوسی.

۲۴. نصیر الدین طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، اساس الإقتباس، تصحیح آقای مدرس رضوی، ایران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۲۶ ش.
۲۵. هاشمی، احمد، جواهر البلاغة، الطبعة العاشرة، مصر، مكتبة الاعتماد، ۱۳۷۳ ش.
۲۶. همایی، جلال الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ ۱، تهران، اهورا، ۱۳۸۹ ش.
۲۷. نکونام، ملیحه، سبک شناسی سه خطبه از خطبه‌های امام حسن مجتبی(ع)، کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الزهراء(س)، ۱۳۹۵ ش.
۲۸. الخرافی، عبدالحسن عبدالله، لطائف الأدب فی استهلال الخطب، الطبعة الأولى، کویت، مجلة النوعي الإسلامى، ۲۰۱۲ م.
۲۹. رحمانیان، فرزانه و ریحانه ملازاده، فن براعت استهلال در خطبه‌های نهج البلاغه، مشهد، فصلنامه تخصصی مطالعات ادبی متون اسلامی، ۱۳۹۶ ش.
۳۰. ملازاده، ریحانه و فرزانه رحمانیان، هنر سازه تکرار و دلایلهای معنایی آن در حکمت‌های نهج البلاغه، مجله پژوهش‌های نهج البلاغه، ش ۵۱، ۱۳۹۵ ش.

